

اثرسنجی نظام موازنه دور آمریکا در روابط راهبردی عربستان سعودی و اسرائیل

* امیررضا مقومی^۱، شهروز شریعتی^۲

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴ شهریور ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۹ دی ۱۴۰۱
تاریخ انتشار: ۱۶ اسفند ۱۴۰۱

چکیده

منطقه غرب آسیا یکی از مهم‌ترین مناطق بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر با تحولات عمیق و گسترده‌ای روبه‌رو شده است. پویایی‌های سریع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، روابط بین‌دولت‌ها را متحول ساخته و صف‌بندی‌های جدیدی را در غرب آسیا به وجود آورده است. یکی از این تحولات بنیادی را در دگرگونی روابط بین عربستان سعودی و اسرائیل می‌بینیم. در این مقاله به روش تحلیل پسارویدادی در پی تبیین جایگاه نظام مفهومی موازنه دور آمریکا بر روابط رو به رشد عربستان و اسرائیل و ارزیابی پیامدهای توسعه این روابط بر منطقه غرب آسیا هستیم و می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که سیاست‌گذاری ایالات متحده در غرب آسیا چگونه روابط عربستان سعودی و اسرائیل را متأثر کرده است؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح می‌شود که آمریکا می‌کوشد با احیای رهنامه دوستونی پیشین خود در قالب نظام موازنه دور در غرب آسیا، امنیت این منطقه را در چارچوب راهبرد ثبات هژمونیک ایالات متحده تداوم بخشد. یافته‌های مقاله مبتنی بر روندپژوهی تحولات، همچنین نشان می‌دهد گسترش روابط اسرائیل و عربستان سعودی می‌تواند منجر به تغییر ژئوپلیتیک انتقال انرژی در غرب آسیا شود و ژئوپلیتیک این منطقه را با تحولاتی احتمالی روبه‌رو سازد که این تغییرات در راستای منافع کلان ایالات متحده برای کنترل منابع انرژی جهان خواهد بود.

کلیدواژه‌ها:

آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی، غرب آسیا، فلسطین

* نویسنده مسئول:

امیررضا مقومی

نشانی:

دانشگاه جامع امام حسین (ع)،

تهران، ایران

پست الکترونیک:

amirmg1997@ehu.com

استناد به این مقاله:

مقومی امیررضا. (۱۴۰۱). اثرسنجی نظام موازنه دور آمریکا در روابط راهبردی عربستان سعودی و اسرائیل. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۴(۴)، ۱۵۴-۱۲۹.

۱. مقدمه

برای دهه‌های متمادی، ریاض مدافع تشکیل کشور مستقل فلسطینی و منتقد اشغالگری اسرائیل بود و تعهد عربستان نسبت به فلسطین، خطوط ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا را برای چندین دهه تعریف و مشخص می‌کرد. با وجود این، رصد تحولات اخیر در روابط عربستان سعودی و اسرائیل، نمایانگر حرکت ریاض و تل‌آویو به سمت عادی‌سازی روابط است. مدیر ارشد شبکه صهیونیستی «آی ۲۴» گفته است «از نظر مقامات سعودی، موضوع تنها زمان است و عادل الجبیر، وزیر مشاور سعودی در امور خارجه گفته روابط دو طرف به سمت عادی‌سازی پیش می‌رود». بر اساس اسناد رسمی ادعایی در رسانه‌های اسرائیل، ریاض در قبال این پیشرفت، فهرستی از مطالبات خود ارائه کرده است که همه متوجه آمریکا است و در این میان، موضوع فلسطین در فهرست خواسته‌ها قرار ندارد (Azriel, 2022). بنابراین بررسی روابط عربستان سعودی با اسرائیل و نقش آفرینی ایالات متحده در آن، بسیار اهمیت دارد. در این مقاله می‌خواهیم تحول در روابط عربستان سعودی و اسرائیل را تبیین کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که سیاست‌گذاری ایالات متحده در غرب آسیا چگونه روابط عربستان سعودی و اسرائیل را متأثر کرده است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که آمریکا می‌کوشد با احیای رهنامه دوستونی پیشین خود در قالب نظام موازنه دور در غرب آسیا، امنیت این منطقه را در چارچوب راهبرد ثبات هژمونیک ایالات متحده تداوم دهد. روش پژوهش بر اساس نوع هدف، توسعه‌ای و کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی بر مبنای نوع داده‌ها، کیفی است و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای، اینترنتی، اسنادی و روش تجزیه و تحلیل نیز روش تحلیلی پسارویدادی است. در این مقاله پس از بیان چارچوب نظری، سیر تحول روند گسترش روابط عربستان سعودی و اسرائیل را ارزیابی می‌کنیم. پس از تبیین ویژگی‌های تغییر و تحول در روابط عربستان و اسرائیل بر مبنای چارچوب نظری، تأثیر تغییرات در روابط عربستان با اسرائیل را بر ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه غرب آسیا بررسی می‌کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

در این مقاله می‌خواهیم خلاصه نظری موجود در روابط عربستان سعودی و اسرائیل را تا حدودی پوشش دهیم. برخی از منابع قابل تأمل در حوزه این پژوهش به شرح ذیل است:

بیکاکچی و ال برنی (۲۰۲۲) معتقدند نزدیکی عربستان به اسرائیل، تحت تأثیر روایت‌های تاریخی عربستان بر تلقی امنیت منطقه‌ای تصمیم‌گیرندگان سعودی بوده است. یونل گوزانسکی

(۲۰۲۲) معتقد است در حالی که نشانه‌هایی از صلح احتمالی از سوی عربستان با اسرائیل وجود دارد، بهبود احتمالی روابط، احتمالاً از مدلی متفاوت از توافق‌نامه ابراهیم پیروی خواهد کرد. رینهولد و یآری (۲۰۲۰) با بررسی سیر روابط عربستان و اسرائیل معتقدند که نیروی محرک دگرگونی روابط عربستان و اسرائیل در این تصور مشترک نهفته است که تهدید ناشی از ایران به‌طور جدی افزایش یافته است. همچنین میزان علاقه آمریکا به مداخله در منطقه کاهش یافته است. کلایو جونز و یوئل گوزانسکی (۲۰۱۹) در فصل سوم کتابشان ترس از قدرت فزاینده جمهوری اسلامی ایران و خنثی کردن نفوذ منطقه‌ای ایران را عامل توسعه روابط عربستان و اسرائیل می‌دانند. جاکوب آبادی (۲۰۱۹) استدلال می‌کند دستیابی عربستان سعودی به هوپیمای آواکس و حمله اسرائیل به لبنان یا کشتار فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های آوارگان صبرا و شتایلا، تأثیر جدی بر روابط دوجانبه نداشته و از زمان ظهور تهدید هسته‌ای ایران، روابط عربستان سعودی با اسرائیل شروع به بهبود کرده است. الی پوده (۲۰۱۸) معتقد است پس از انقلاب ایران و به‌ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه و قدرت گرفتن بیش‌ازپیش حزب‌الله در منطقه، روابط عربستان با اسرائیل اوج پیدا کرده است. مقومی و حاتمی‌نژاد (۲۰۲۲) با واکاوی توافق‌های اخیر کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل عوامل مؤثر در حرکت دوطرف به سمت عادی‌سازی را توضیح می‌دهند. دهقانی فیروزآبادی، کریمی و وکیلی (۲۰۲۲)، معتقدند ضعف‌های ساختاری و قدرت‌تصنعی کشورهای درگیر در این روند، افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و به‌کارگرفتن راهبرد موازنه خارج از مرزها از سوی آمریکا از مهم‌ترین عواملی هستند که موجب شده، اسرائیل و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس در قالب «رهنامه پیرامونی»، آسیب‌پذیری خود را کاهش دهند. برزگر و دیگران (۲۰۲۱)، نویدی‌نیا و مرادی کلارده (۲۰۲۱)، آدمی، نائینی و بیژن (۲۰۱۹) و رستمی و تارا (۲۰۱۸) از دیگر نویسندگانی هستند که در این حوزه، نکات قابل تأملی در روابط دوطرف مطرح کرده‌اند. نوآوری این پژوهش صرف‌نظر از ارزیابی آخرین تحولات در روابط عربستان سعودی و اسرائیل ارائه این تحلیل است که این روابط می‌تواند احیای رهنامه دوستونی ایالات متحده در غرب آسیا برآورد شود.

۳. چارچوب تحلیلی: واقع‌گرایی نوکلاسیک

واقع‌گرایی نوکلاسیک از نظریاتی است که می‌خواهد متغیرهای داخلی و خارجی را به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی یک کشور معرفی کند (Lobel & others, 2009: 16). بیشتر نوکلاسیک‌ها برخلاف نواقح‌گرایان نه‌تنها به عوامل سطح نظام توجه دارند، بلکه می‌گویند

برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها اهمیت دارند و به نوعی به لزوم نگاه به سطوح مختلف تحلیلی تأکید دارند (Moshirzadeh, 2014: 129 Alvand & Hosaini, 2021: 4). رز در مقاله مروری‌ش، نوکلاسیک‌ها را به دو دسته «تهاجمی»^۱ و «تدافعی»^۲ دسته‌بندی می‌کند. در این پژوهش بر مبنای ماهیت سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا، از آموزه‌های نوکلاسیک‌ها با تأکید بر خوانش جان مرشایمر^۳ استفاده می‌کنیم. مرشایمر ساختار آنارشیکی نظام بین‌الملل، توانایی آفندی دولت‌ها، نبود اطمینان، حفظ بقا و عقلانی‌بودن دولت‌ها را به‌عنوان مهم‌ترین اصول واقع‌گرایی تهاجمی معرفی می‌کند (Chernoff, 2014: 109). این پنج عنصر یا مفروض «واقع‌گرایی تهاجمی» هنگامی که با یکدیگر پیوند بخورند، انگیزه‌ای قوی برای رفتار و افکار تهاجم‌آمیز دولت‌ها در قبال یکدیگر به‌وجود می‌آورند که موجب ایجاد سه الگوی رفتاری ترس، خودیاری و به حداکثر رساندن قدرت در دولت‌ها می‌شود (Mearsheimer, 2001: 32). وی در همان حال دولت‌ها را بازیگران عقلانی می‌داند که نسبت به محیط خارجی خود آگاه هستند و برای بقای خود در این محیط با محاسبه اولویت‌های خود و دیگران رفتار راهبردی مناسب را انتخاب می‌کنند. افزون بر این، دولت‌ها نه تنها به پیامدهای کوتاه‌مدت و فوری، بلکه به پیامدهای بلندمدت خود نیز توجه دارند (Mearsheimer, 2001: 32).

مرشایمر در چارچوب نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک همچنین معتقد است که قدرت‌های بزرگ برای تغییر موازنه قوا به‌نفع خود و کسب قدرت نسبی به‌صورت هم‌زمان و اقتضایی از راهبردهای «حفظ» و «تغییر» وضع موجود بهره می‌گیرند (Mearsheimer, 2001: 138). چهار راهبرد جنگ،^۴ ارباب،^۵ تفرقه و تحریک^۶ و مهار و فرسایش^۷ از نظر مرشایمر راهبردهایی برای تغییر وضع موجود هستند و در شرایطی که حفظ وضع موجود به‌نفع یک قدرت بزرگ باشد چهار نوع راهبرد برقراری موازنه،^۸ احاله مسئولیت،^۹ مماشات^{۱۰} و دنباله‌روی^{۱۱} در دستور کار قرار

1. Offensive
2. Defensive
3. John j Mearsheimer
4. war
5. Blackmail
6. Bait and Bleed
7. Bloodletting
8. Balancing
9. Buck-Passing
10. Appeasement
11. Bandwagoning

خواهد گرفت. به اعتقاد مرشایمر از میان این چهار نوع راهبرد، ایجاد موازنه و احاله مسئولیت، اصلی‌ترین راهبردهایی هستند که قدرت‌های بزرگ از آن‌ها برای جلوگیری از برهم خوردن وضع موجود استفاده می‌کنند (Mearsheimer, 2001: 138-139). بر مبنای آنچه گفتیم، جدول ۱ در چارچوب آموزه‌های واقع‌گرایی نوکلاسیک، گزینه‌های راهبردی حفظ و تغییر وضع موجود را در سیاست آسیای غربی آمریکا نشان می‌دهد که گسترش روابط اسرائیل و عربستان سعودی را باید در راستای راهبردهای حفظ وضع موجود دسته‌بندی کرد.

جدول ۱. گزینه‌های راهبردی حفظ و تغییر وضع موجود در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

| راهبردهای تغییر وضع موجود | راهبردهای حفظ وضع موجود |
|----------------------------------|--|
| جنگ ارباب تفرقه و تحریک | مهار و فرسایش موازنه احاله مسئولیت مماشات دنباله‌روی |

Source: Author

از این دیدگاه، استفاده از رویکرد هژمونی در جهت حفظ نظم برای ایالات متحده بسیار خطرناک، پیچیده و پرهزینه خواهد بود و احتمال دارد اتحاد قدرت‌های بزرگ را علیه آمریکا برانگیزد و مانند سوختی مناسب برای گروه‌های تروریستی و حرکت قدرت‌های منطقه مخالف آمریکا به سمت سلاح‌های هسته‌ای عمل کند. استفان والت^{۱۲} و جان مرشایمر^{۱۳} در مقاله مشترک خود با عنوان «درآمدی برای موازنه از راه دور»^{۱۴} و با بیان مصادیقی از تجربیات موفق آمریکا در قرن نوزدهم معتقدند: به‌کارگرفتن چنین رویکردی از سوی ایالات متحده می‌تواند موجب حفظ هژمونی خیرخواه در نیم‌کره غربی شود و زمینه را برای خروج این کشور از تعهدات بسیاری فراهم کند، به‌شکلی که دیگر لازم نباشد به‌طور مستقیم در عملیات اجرای صلح شرکت کند یا از قدرت نظامی در جهت ملاحظات بشردوستانه بهره‌برد (Walt and Mearsheimer, 2016: 74). «ردپای کم‌رنگ»^{۱۵} یکی از تاکتیک‌های استفاده‌شده در این راهبرد است. این تاکتیک،

12. Stephen Walt

13. John Mearsheimer

14. The Case of Offshore Balancing

15. Light Footprint

مجموعه‌ای از اقدامات اطلاعاتی، امنیتی و نظامی، برای مقابله با تهدیدات امنیتی است و بر دو مفروض اساسی بنا شده است: نخست اینکه منازعات و چالش‌های امنیتی حتی با حجم زیادی از سرمایه و تجهیزات نظامی به سرعت قابل حل شدن نیستند و دوم اینکه با افزایش هزینه مداخله نظامی و افزایش جان‌باختگان نظامی در عملیات گسترده نظامی، فشار در داخل از طرف مردم برای پیروزی سریع، بازگشت نیروها و پایان جنگ صرف‌نظر از پایان یافتن یا پایان نیافتن مأموریت بسیار زیاد می‌شود (Lujan, 2013: 8-9). با توجه به این ویژگی‌ها، به نظر می‌رسد که نظام موازنه از راه دور دستور کار ایالات متحده هم در دوره ترامپ و هم در دوره بایدن قرار گرفته باشد. جدول ۲ طیف گزینه‌های راهبردی موازنه دور در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا را برای حفظ وضع موجود نشان می‌دهد و بیانگر این نکته است که احاله مسئولیت واجد بیشترین مزیت و کمترین آسیب در منافع ملی ایالات متحده است.

جدول ۲. طیف گزینه‌های نظام موازنه دور در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

| گزینه‌های راهبردی موازنه دور | | | |
|------------------------------|---------------|--------|---------------|
| تفرقه و تحریک | مهار و فرسایش | موازنه | احاله مسئولیت |

Source: Author

۴. سیر تحول روابط عربستان سعودی و اسرائیل

علنی شدن تدریجی روابط عربستان و اسرائیل، نتیجه یک روند تکاملی تدریجی تاریخی است که در آن روابط از تغییرات کمی به تغییرات کیفی تغییر یافته است. با نگاهی به گذشته، توسعه روابط عربستان سعودی با اسرائیل را می‌توان به چهار مرحله تقسیم کرد:

الف) مقابله نظامی با اسرائیل و حمایت کامل از آرمان آزادی فلسطین (۱۹۴۸ تا ۱۹۸۰): عربستان سعودی برای حفظ موقعیت و اعتبار خود در جهان عرب، سه بار در جنگ اعراب با اسرائیل شرکت کرد و نیروهای برای تقویت قوای ارتش‌های مصر، اردن، سوریه و لبنان در جنگ‌های اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ فرستاد (Kah-anov, 2012: 11). عربستان سعودی در جنگ سال ۱۹۶۷ خاورمیانه و در نشست اتحادیه عرب

در خارطوم، «سیاست سه نه^{۱۶}» را علیه اسرائیل اجرا کرد؛ این‌گونه که کشورهای عربی نه اسرائیل را به رسمیت بشناسند، نه با آن آشتی کنند و نه با آن مذاکره کنند. عربستان سعودی به همراه دیگر کشورهای عربی در جنگ رمضان یا یوم‌کپیور (۱۹۷۳)، با استفاده از قدرت نفتی خود، اسرائیل و متحدانش را زیر فشار قرار دادند تا از این راه بتوانند به خواسته‌های خود برسند که آزادسازی سرزمین‌های اشغالی بود. از میانه دهه ۱۹۷۰ به بعد، ریاض تلاش کرد خود را به‌عنوان پیشرو و خط مقدم تلاش‌های دیپلماتیک اعراب برای حل مناقشه اعراب و اسرائیل مطرح کند. بر همین اساس در سال ۱۹۷۶، سعودی‌ها توانستند رؤسای جمهور مصر (انور سادات) و سوریه (حافظ اسد) را در تلاشی برای ایجاد آشتی بین این دو رهبر، کنار هم نشانند تا با ایجاد محوری یکدست سعودی-سوریه‌ای-مصری، اسرائیل را زیر فشار قرار دهد (Jones & Guzansky, 2019: 29). در سال ۱۹۷۹، مصر پس از امضای توافق‌نامه کمپ دیوید با اسرائیل، از اتحادیه عرب اخراج شد که چنین تحولی این امکان را به عربستان داد تا جایگاه خود را در رهبری مخالفت عمومی عربستان علیه اسرائیل ارتقا دهد.

ب) برقراری روابط مخفیانه (۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱): در ابتدای دهه ۱۹۸۰، عربستان سعودی در پاسخ به تأثیر عظیم انقلاب اسلامی ایران و جنگ ایران و عراق و سپس فروپاشی نظام دوقطبی و تسلط ایالات متحده بر نظام بین‌الملل، شروع به منعطف‌کردن نگرش و ادعاهای خود نسبت به اسرائیل کرد. «طرح فهد» که در آگوست ۱۹۸۱ مطرح شد پیشنهاد جدیدی را وارد عرصه گفتمان سیاسی اعراب کرد: به‌طوری که اعراب در ازای عقب‌نشینی کامل اسرائیل از سرزمین‌های اشغال‌شده در سال ۱۹۶۷ (از جمله بیت‌المقدس شرقی) و دادن حق به فلسطینیان برای اینکه یا به خانه‌های خود بازگردند یا غرامت مالی مناسبی دریافت کنند، این رژیم را به‌صورت دوفاکتو به رسمیت بشناسند (Podch, 2018: 571). افزون بر این، عربستان در سال ۲۰۰۲، در چهاردهمین نشست سران کشورهای عربی، «ابتکار صلح عربی»^{۱۷} را بر اساس پیشنهاد جدید صلح خاورمیانه تصویب کرد. این ابتکار بنابر قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل مبنی بر درخواست از اسرائیل برای عقب‌نشینی به خطوط مشخص‌شده در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ بود، اما وعده عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و جهان عرب را هم می‌داد (Koplow, Efron & Gottesman, 2021: 13). گسترش مستمر قدرت ایران در غرب آسیا به‌ویژه پس از سقوط صدام در

16. Three Noes

17. Arab Peace Initiative (API)

عراق و لبنان و ظهور حزب الله به عنوان بازیگر تأثیرگذار در منطقه، همراه با روی کار آمدن جنبش حماس در غزه موجب شد که در این دوره، روابط مخفیانه‌ای بین عربستان و اسرائیل شکل گیرد و حتی نسبت به برخی از تحولات منطقه‌ای، همچون جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶، همکاری‌هایی با یکدیگر داشته باشند (Podeh, 2018: 575-579). برای نمونه، رئیس موساد، میسر داگان،^{۱۸} در دیدار مخفیانه خود از عربستان سعودی، برای بحث در مورد مسائل برنامه هسته‌ای ایران با مقامات عربستان سعودی دیدار کرد (Pfeffer, 2010).

پ) برقراری روابط آشکار (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶): با شروع سال ۲۰۱۱، ارتباط بین عربستان و اسرائیل شکل دیگری به خود گرفت (Jones & Guzansky, 2019: 95). در سال ۲۰۱۳ نخست‌وزیر اسرائیل، نتانیاهاو به‌طور عمومی در پارلمان اعلام کرد که اسرائیل دیگر «دشمن اعراب نیست» و اسرائیل در بسیاری از موضوعات، منافع مشترکی با عربستان سعودی و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد. در همین چارچوب، مامون فندی^{۱۹} در روزنامه عربی الشرق الاوسط نوشت: «خبر خوب این است که اگر اسرائیل بخواهد با اعراب معامله کند، زمان آن همین الان است. دولت‌های عربی برای مدت طولانی در ضعیف‌ترین موقعیت سیاسی خود هستند و با در نظر داشتن تحولات سیاسی داخلی‌شان، آماده هستند قرارداد توافق جامع را امضا کنند» (Fandy, 2014). همکاری نزدیک و عملیاتی اسرائیل و عربستان سعودی از سال ۲۰۱۵ سرعت بیشتری به خود گرفت (Krasna, 2021: 5). نتانیاهاو در سخنرانش در سال ۲۰۱۸ در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «خانم‌ها و آقایان، یک اعتراف مهم دارم: این ممکن است شما را شگفت‌زده کند، اما باید اعتراف کنم که توافق ایران یک پیامد مثبت داشته است، یک پیامد ناخواسته اما مثبت. توانمند شدن ایران، اسرائیل و بسیاری از کشورهای عربی را بیش از هر زمان دیگری به هم نزدیک‌تر کرده است و حتی در میان آن‌ها صمیمیت و دوستی ایجاد کرده که من در عمرم ندیده بودم و تا چند سال پیش نیز تصورناپذیر بود» (Jones & Guzansky, 2019: 1). در همین چارچوب، مقامات بلندپایه عربستان سعودی و اسرائیل در نشست‌ها و همایش‌ها با یکدیگر دیدار کرده‌اند. به طوری که شاهزاده ترکی الفیصل، سفیر پیشین عربستان سعودی در واشینگتن در سال ۲۰۱۴ و در نشستی که در بروکسل توسط صندوق سرمایه‌گذاری مارشال آلمان برگزار شده بود با آموس یادلین،^{۲۰}

18. Meir Dagan
19. Mamoun Fandy
20. Amos Yadlin

رئیس پیشین اطلاعات نظامی اسرائیل (امان) دیدار و به صورت مشخص در مورد ابتکار صلح عربی صحبت کرد و در سال ۲۰۱۵، شاهزاده ولید بن طلال، قصد خود را برای انجام سفری چندروزه در تاریخی نامعلوم اعلام کرد تا نماد دوران جدیدی از صلح و برادری باشد و «گفت‌وگویی مستقیم با اسرائیل برای ایجاد روابط دوستانه با همسایگان اسرائیلی مان داشته باشد» (Jones & Guzansky, 2019: 99).

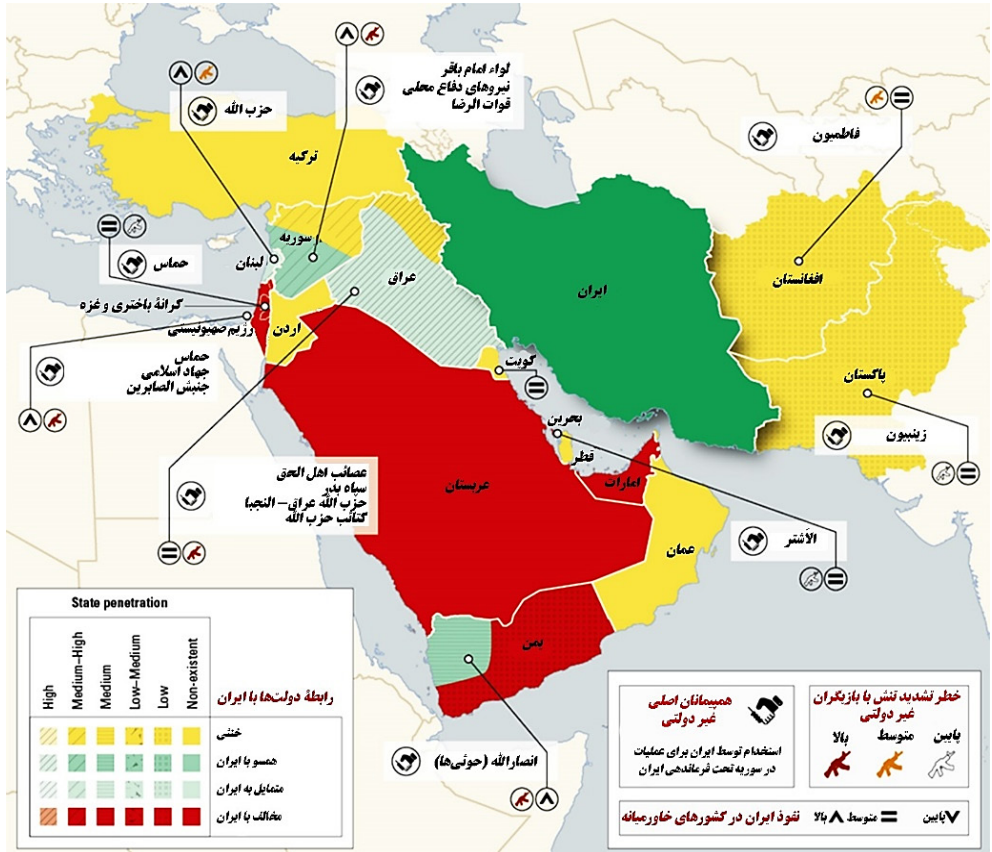
ت) ارتباط نزدیک و حرکت به سوی عادی‌سازی روابط (از سال ۲۰۱۷ تاکنون): دو تحول مرتبط با ایالات متحده، بستر و فرصت مناسبی برای برقراری توافق‌های عادی‌سازی فراهم کرد: اولین تحول، مربوط به ادراک متحدان اصلی منطقه‌ای آمریکا (اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و امارات) از نظام موازنه دور و فهم این نکته بود که ایالات متحده با طراحی این راهبرد می‌خواهد به دخالت مستقیم نظامی پرهزینه‌اش در منطقه پایان دهد که از بیست سال پیش برقرار بود. دومین تحول، از دوره دولت ترامپ آغاز شد که آمریکا برای اتحاد منطقه‌ای علیه ایران و عادی‌سازی روابط با اسرائیل به عنوان مؤلفه کلیدی و دستور کار سیاست خارجی خود، اعمال فشار می‌کرد (Krasna, 2021: 5-6). از همان زمان، سعودی و اسرائیل در زمینه تبادل اطلاعات و امنیت با یکدیگر همکاری کردند. در همین خصوص اسرائیل اعلام کرد که آماده است اطلاعاتی را با عربستان سعودی به اشتراک بگذارد تا به طور مشترک با ایران برخورد کنند (McKernan, 2022). عربستان سعودی و اسرائیل فعلاً برای بازداشتن ایران، حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن و نیروهای حشد شعبی عراق که متحد ایران هستند، با یکدیگر همکاری خود را آغاز کردند. همچنین عربستان سعودی در عمل، حامی عادی‌سازی کامل روابط امارات و بحرین با اسرائیل شد.

۵. منطق درونی گسترش روابط عربستان سعودی و اسرائیل

به طور کلی می‌توان سه عامل اصلی را در کنار الزامات موازنه دور به عنوان منطق درونی در گسترش روابط عربستان سعودی و اسرائیل مورد توجه قرار داد: ۱. مشکلات مشترک سیاسی و امنیتی پیش روی دوطرف؛ ۲. استفاده از فرصت‌ها و مزایای فناوری یکدیگر؛ ۳. بهره‌گیری از لابی صهیونیست در آمریکا و نفوذ عربستان در جهان عرب.

الف) مقابله با نفوذ ایران و تحولات منطقه‌ای غرب آسیا: تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه پس از بیداری اسلامی منجر به تقابل اردوگاه ضدایرانی با محوریت

عربستان سعودی و اسرائیل از یک سو و اردوگاه مقاومت با محوریت ایران از سوی دیگر شده است. چنین معادله‌ای در عمل به شکل‌گیری اتحادی ضمنی برای مقابله با محور مقاومت منجر شده است. ایران با فروپاشی حزب بعث (۲۰۰۳) توانست حوزه نفوذ خود را در عراق گسترش دهد. از سوی دیگر، نقش آفرینی حزب‌الله به‌عنوان متحد راهبردی ایران در لبنان، به‌ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه (۲۰۰۶) و تحمیل اولین شکست بزرگ به اسرائیل، وزن ژئوپلیتیکی محور مقاومت را افزایش داد. با وقوع بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ و فروپاشی کشورهای نزدیک به غرب و همچنین شکل‌گیری بحران سوریه، عراق و یمن و همچنین سر برآوردن گروه‌های تروریستی همچون داعش و جبهه‌النصره، نقش آفرینی محور مقاومت به رهبری ایران در منطقه افزایش یافت. موفقیت ایران در مدیریت بحران عراق و شکست داعش در این کشور و همچنین تأسیس گروه‌های مقاومت عربی همچون حشدالشعبی منجر به تثبیت نفوذ ایران در عراق شد. آن‌چنان که دیوید پولاک، کارشناس مؤسسه امریکن اینترپرایز در مقاله «خروج آمریکا از خاورمیانه و رقابت برای برتری نظامی» می‌نویسد: «آمریکا از زمان اوباما شروع به کاهش نقش و درگیری خود در منطقه کرد و این روند در دولت‌های بعد ادامه پیدا کرد. خروج آمریکا از منطقه، خلأ امنیتی ایجاد کرده است که ایران و متحدانش برای پرکردن آن می‌کوشند. سلطه در حال جوانه‌زدن ایران و عقب‌نشینی آمریکا، متحدان این کشور را به وحشت انداخته و به ائتلاف‌سازی با اسرائیل سوق داده است» (M. Pollack, 2022) تا از این راه موازنه بهم‌خورده منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهند. افزون بر این حضور مستقیم و قانونی ایران و حزب‌الله لبنان در بحران سوریه و اضافه‌شدن گروه‌های عراقی به این مجموعه و همچنین پی‌ریزی گروه‌های مقاومت پاکستانی و افغانستانی با عنوان زینبیون و فاطمیون، نه تنها سبب نزدیکی راهبردی گروه‌های مقاومت شد، بلکه تجربه ارزنده‌ای برای آن‌ها ایجاد کرد. در این میان بحران یمن، نفوذ محور مقاومت به رهبر ایران را از سواحل مدیترانه به سواحل دریای سرخ گسترش داد. بر همین اساس موقعیت ایران موجب شد تا همگرایی بین اسرائیل و عربستان سعودی به‌وجود آید. به طوری که یکی از مقامات واشینگتن می‌گوید: «اگر در سفر اخیر خود به این منطقه، چهره مقامات ارشدی را که در ابوظبی، ریاض و تل‌آویو دیده بود پوشاند و فقط به نگرش آن‌ها در مورد آینده خاورمیانه گوش دهد، نمی‌تواند بین سعودی‌ها، اماراتی‌ها و اسرائیلی‌ها تفاوتی قائل شود» (Jones & Guzansky, 2019: 162).



نقشه ۱. جایگاه ایران در موازنه‌سازی منطقه‌ای در غرب آسیا و شمال آفریقا

Source: IISS, 2020: 13

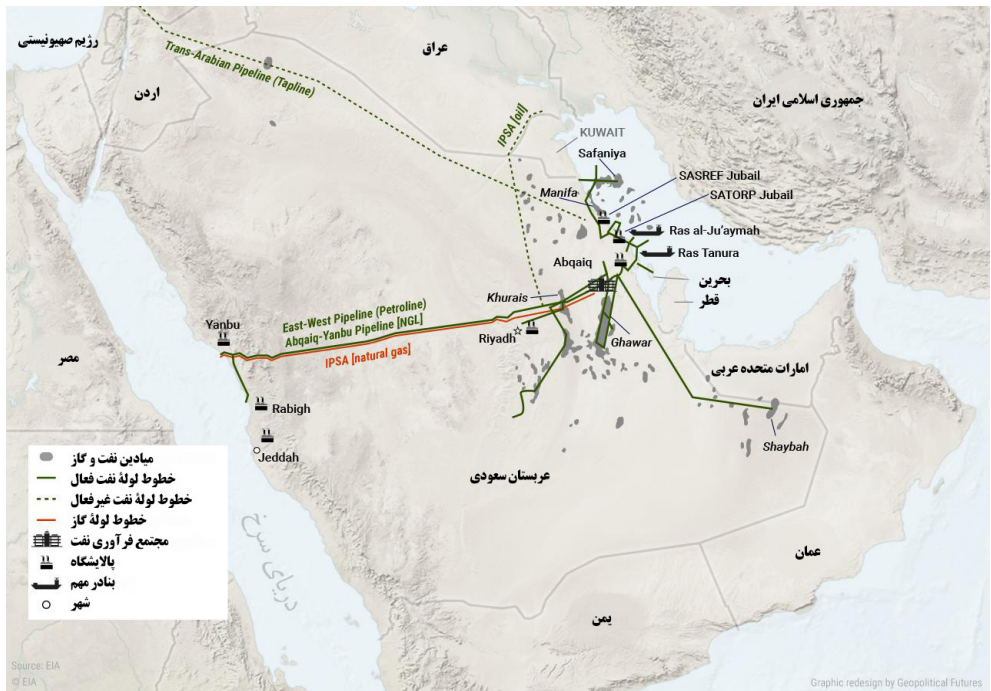
در همین خصوص بن سلمان در مصاحبه سال ۲۰۱۸ خود با نیویورک‌تایمز گفت: «روابط عربستان و اسرائیل قابلیت‌های مفیدی را برای دو طرف در زمینه اقتصادی و مقابله با تهدیداتی مانند تحرکات منطقه‌ای ایران فراهم می‌کند.» «تانیاهو نیز گفته بود «عربستان بنا بر مسائل مشترک فراوان، تل‌آویو را به‌عنوان یک متحد و نه به‌عنوان دشمن می‌بیند» (Navidinia & moradi kellardeh, 2021: 96). با وجود این، افزون بر تهدید قدرت منطقه‌ای ایران، عربستان سعودی و اسرائیل منافع مشترک دیگری در خصوص مسائل ژئواستراتژی در خاورمیانه دارند که این دو را به هم نزدیک می‌کند؛ فروپاشی تدریجی اتحاد اسرائیل و ترکیه، مناقشه

عربستان و ترکیه برای تسلط بر منطقه و همچنین اختلاف بین رهبران جهان تسنن و جهان اسلام، همه فرصتی برای همکاری بین عربستان سعودی و اسرائیل در چارچوب انگاره موازنه دور آمریکا فراهم کرده است.

ب) استفاده از فرصت‌های اقتصادی و مزایای فناورانه یکدیگر: اگرچه امنیت سیاسی عامل اصلی روابط نزدیک بین عربستان و اسرائیل است، مزیت‌های مکمل دو کشور در زمینه توسعه اقتصادی، تضمینی برای تعمیق همکاری‌های دوجانبه است. عربستان از قدرت اقتصادی و ظرفیت تولید نفت بسیار بالایی برخوردار است، در حالی که رژیم صهیونیستی از قابلیت‌های نوآوری فناوری عالی، فناوری توسعه نرم افزار اینترنت و ثبات مالی مدرن برخوردار است که این امکان را به این دو می‌دهد که مزیت‌های اقتصادی و فنی یکدیگر را تکمیل کنند. ترکی الفیصل در این مورد می‌گوید: «تصور کنید که عرب‌ها و اسرائیلی‌ها به همراه یکدیگر در توسعه علم تلاش کنند... همواره به مخاطبان یهودی خود گفته‌ام و امروز هم دوباره این حرف را تکرار می‌کنم؛ ما با پول یهودیان و مغز عرب‌ها به خیلی جاها می‌توانیم برسیم» (Jones & Guzansky, 2019: 162). اسرائیل در آخرین رتبه‌بندی شاخص جهانی نوآوری که سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو) اعلام کرد، در رتبه ۱۳ جهان و با اختلاف بسیار در رتبه اول منطقه قرار گرفت (Katz, 2018: 538)؛ در نتیجه، با دستیابی به این سطح از قدرت علمی و فناوری، محصولات‌های تک، نیمی از صادرات اسرائیل را تشکیل می‌دهد (Rivlin, 2021: 4).

در تصدیق این ادعا، ولیعهد عربستان سعودی، محمد بن سلمان، آشکارا اعلام کرد: «اسرائیل یک مرکز جذاب اقتصادی و فناوری منطقه‌ای و شریک بالقوه عربستان سعودی است» (Hub-bard, 2018). عربستان تاکنون تمایل شدید خود به مشارکت با اسرائیل را در سه حوزه کلیدی نشان داده است: ۱. توسعه سیستم‌های دفاع موشکی چندلایه در برابر حملات موشک‌های کروز و پهپادها؛ ۲. توسعه قابلیت‌های دفاع سایبری برای محافظت از عربستان سعودی در برابر حملات سایبری، مانند حملاتی که صنایع نفت و پتروشیمی عربستان را در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ هدف قرار داد؛ ۳. ترکیب هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، بیوتکنولوژی و تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها در حوزه‌های مهم دفاعی. آخرین حوزه، مربوط به تمایل عربستان به گنجاندن اسرائیل در طرح‌های بلندپروازانه برای ساخت کلان‌شهر ۵۰۰ میلیاردی نئوم در استان تبوک است که ویتترین هوش مصنوعی عربستان سعودی به حساب می‌آید (Friedman, 2021: 12). در سوی دیگر، عربستان سعودی با داشتن منابع عظیم انرژی و مالی، بهترین گزینه برای تأمین نیازهای

انرژی و مالی اسرائیل به حساب می‌آید. یکی از مهم‌ترین کارکردهای عربستان برای اسرائیل، می‌تواند به سرانجام رسیدن خط لوله ایلات-اشکلون باشد. منطقه ابقیق از گذشته به‌عنوان مکانی مهم در اتصال خط لوله زمینی نفت از مناطق گسترده‌ای در سرتاسر قلمرو عربستان به بندرهای دریایی مهم این کشور، اهمیت داشته است. در صورت موافقت ریاض، امکان انتقال نفت عربستان از منطقه ابقیق در شرق عربستان به بندر ایلات به‌وسیله خط لوله ثابت ۷۰۰ کیلومتری و اتصال آن به خط لوله ایلات-اشکلون و سپس صادرات به اروپا و آمریکای شمالی، وجود خواهد داشت (AIMaashi, 2021: 562). بر این اساس اسرائیل نه تنها خواهد توانست امنیت انرژی خود را تأمین کند که به‌نوعی پشتوانه توسعه اقتصادی‌اش است، بلکه از این راه خواهد توانست به هاب انرژی منطقه تبدیل شود و بر وزن ژئوپلیتیکی خود بیفزاید.



پ) بهره‌گیری از لابی صهیونیست در آمریکا و نفوذ عربستان در جهان عرب: برای پادشاهی‌های خلیج فارس به‌طور عام و عربستان سعودی به‌طور خاص، روابط نزدیک، اگرچه

محتاطانه با اسرائیل، کمک می‌کند نگرانی‌های امنیتی این کشورها در لابی‌های قدرت در واشینگتن نفوذ بیشتری داشته باشد. لابی‌های قدرتمند طرفدار اسرائیل در ایالات متحده، شامل کمیته قدرتمند روابط عمومی آمریکا اسرائیل (آپیک)،^{۲۱} کمیته یهودیان آمریکا (ای جی سی)^{۲۲} و اتحادیه ضدافترا (ای دی ال)،^{۲۳} چنان قدرتی دارند که جرج بال،^{۲۴} معاون وزیر امور خارجه آمریکا تأکید کرده است: «نمایندگان کنگره در مورد سیاست خاورمیانه‌ای همانند یک دسته از توله‌سگ‌های دست‌آموز عمل می‌کنند و از میان حلقه‌ای که گروه‌های فشار طرفدار اسرائیل درست کرده‌اند، بالا و پایین می‌پرند» (Findley, 2010: 13). عربستان با اینکه آمریکا را دیگر قدرتی قابل اعتماد و همیشگی در غرب آسیا نمی‌داند، این حقیقت را نادیده نمی‌گیرد که تا چند دهه آینده، آمریکا قدرتمندترین کشور جهان باقی خواهد ماند. این حقیقت موجب شده است که ریاض همچنان در پی جلب حمایت آمریکا در راستای دستیابی به منافع خود در منطقه و در نظام بین‌الملل باشد و با برقراری روابط نزدیک، اگرچه محتاطانه با اسرائیل و استفاده از لابی این رژیم در واشینگتن، نگرانی‌های امنیتی ریاض در آمریکا نفوذ بیشتری داشته باشد. در این مورد دیوید میلر،^{۲۵} تحلیلگر و سیاست‌مدار برجسته آمریکایی می‌گوید: «کشورهای عربی به خوبی می‌دانند که راه واشینگتن از بیت‌المقدس می‌گذرد (Miller, 2020). بنابراین عربستان سعودی به وسیله برقراری روابط با اسرائیل هم می‌تواند از لابی‌های صهیونیست در نفوذ به ارکان تصمیم‌گیری آمریکا استفاده کند و هم می‌تواند از کارت بازی عادی‌سازی روابط با اسرائیل، روابط خود را با آمریکا بهبود بخشد که در دوران بایدن به سردی گراییده است (Friedman, 2021: 13). در عین حال، چنین روابطی جاده‌ای یک‌طرفه نیست که فقط عربستان از آن بهره‌مند شود؛ از منظر اسرائیل، عربستان عالی‌ترین مرحله از روند عادی‌سازی است (Koehn, 2021: 26). اسرائیل از این موضوع آگاه است که برقراری روابط کشوری همچون بحرین، بدون اجازه عربستان صورت نگرفته است و ریاض به‌عنوان داعیه‌دار رهبری جهان اسلام و همچنین خادم حرمین شریفین، ظرفیت عظیمی در جهان اسلام دارد که می‌تواند با برقراری روابط با آن، با بسیاری از کشورهای جهان اسلام روابط عمیقی برقرار کند (Cafiero, 2022). بنابراین برقراری روابط با عربستان سعودی، می‌تواند به منزله تأییدی برای

21. American Israel Public Affairs Committee

22. American Jewish Committee

23. Anti-Defamation League

24. George Ball

25. David Miller

برقراری با دیگر کشورهای مسلمان شود. چنین مسئله‌ای برای اسرائیل اهمیت بسیار زیادی دارد و به گفته تام فریدمن، ستون‌نویس نیویورک‌تایمز: «تنها راه برای پیشبرد توافق ابراهیم این است که عربستان سعودی را وارد این توافق‌نامه کنیم و از اهرم عربستان سعودی [در جهان عرب] استفاده کنیم» (Friedman, 2021). بر همین اساس از نظر مقامات اسرائیل و ایالات متحده، عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و اسرائیل به قطع، بزرگ‌ترین فرصت را برای تحکیم، مشروعیت‌بخشیدن و گسترش توافق‌ها ارائه می‌دهد. به همین دلیل، عربستان به‌عنوان «جایزه بزرگ» شناخته می‌شود که نشان از اهمیت ریاض در طرح عادی‌سازی دارد (Jinsa, 2022: 25).

۶. پیامدهای نظام موازنه دور در غرب آسیا

آن‌چنان که روندپژوهی توسعه مناسبات اسرائیل و عربستان نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد آمریکا می‌خواهد از الگوی منطقه‌ای ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا بهره‌گیرد و با احیای رهنامه دوستونی، امنیت مبتنی بر نظم لیبرال را بر پایه ستون‌های عربستان و اسرائیل در منطقه غرب آسیا برقرار کند. عربستان و اسرائیل که هر دو از هم‌پیمانان سنتی آمریکا هستند بر این پایه می‌توانند به‌عنوان دو ستون اصلی حفظ هژمونی آمریکا در غرب آسیا عمل کنند. در این چارچوب، عربستان به‌عنوان ابزار مهار نرم موج اسلام‌گرایی و اسرائیل با اتکا به سلاح هسته‌ای و تجهیزات نظامی پیشرفته ساخت آمریکا به‌عنوان قدرت سخت در منطقه برای مهار جبهه مقاومت عمل خواهند کرد. در تأیید این موضوع، سلمان الانصاری، رئیس کمیته امور خارجه عربستان در واشینگتن گفت: «اسرائیل و عربستان سعودی می‌توانند به‌عنوان دو ستون جدید ثبات منطقه‌ای عمل کنند و صلح و ثبات را در سراسر خاورمیانه گسترش دهند» (Jones & Gu, 2019: 26). بر این اساس تحولات اساسی حاصل از نظام موازنه دور مبتنی بر حفظ وضع موجود منطقه و تشویق به گسترش روابط بین عربستان سعودی و اسرائیل، بیشتر در این واقعیت منعکس شده است که دیدگاه و مواضع عربستان سعودی که خود را رهبر جهان عرب و اسلام می‌داند، نسبت به یکی از حساس‌ترین بخش‌های جهان اسلام، یعنی «بیت‌المقدس» و طرح «معامله قرن»، در حال تغییر قابل توجهی است. علاوه بر این، در حال حاضر عربستان سعودی و اسرائیل در بسیاری از زمینه‌ها برای مهار هژمونی جمهوری اسلامی ایران انگیزه‌های قوی دارند که خود موجب تغییر چشمگیر در روابطشان خواهد بود. در ادامه برخی نشانه‌های این نظم را ارزیابی می‌کنیم:

الف) طراحی و اجرای معامله قرن

با وجود اینکه تا پیش از این، عربستان سعودی با اشغال یک‌جانبه شهر بیت المقدس توسط اسرائیل قاطعانه مخالفت می‌کرد، زمانی که ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ۶ دسامبر ۲۰۱۷، این شهر را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت، ریاض در این مورد سکوت کرد (Black, 2019) و پس از اعلام ترامپ مبنی بر انتقال سفارت آمریکا در اسرائیل از تل‌آویو به بیت المقدس، عربستان سعودی فقط گفت «این تصمیم ایالات متحده خطرناک و غیرمسئولانه است» (Noack, 2017). حتی پس از این اتفاق، در تظاهراتی که فلسطینی‌ها در مرز نوار غزه برگزار کردند و در پی آن ۱۱۰ فلسطینی توسط نیروهای مسلح اسرائیل کشته شدند، هیچ اعتراض درخور توجهی از سوی پادشاهی‌های خلیج فارس نشد و تنها کویت برای تحقیقات سازمان ملل در مورد اقدامات نیروهای امنیتی این رژیم فشار آورد که در نهایت این درخواست از سوی ایالات متحده آمریکا و با استفاده از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل ناکام ماند (Jones & Guzansky, 2019: 116).

در همین حال، زمانی که آمریکا و اسرائیل نسخه‌ای از «معامله قرن» منتشر کردند، عربستان سعودی به‌صراحت اعلام کرد «اگر طرح صلح اسرائیل و فلسطین شامل پایتختی قدس شرقی برای کشور فلسطین نباشد، آن‌ها نمی‌توانند از طرح صلح فلسطینی و اسرائیلی ارائه‌شده توسط دولت ترامپ حمایت کنند» (Tibon, 2018). چنین سخنانی فقط مصرف داخلی داشت و عربستان در ژوئن ۲۰۱۹ در «کنفرانس اقتصادی ایالات متحده در بحرین» شرکت کرد که به‌نوعی مقدمه معامله قرن بود. حتی پس از مطرح‌شدن معامله قرن توسط ترامپ که در آن بیت المقدس، پایتخت رسمی اسرائیل معرفی شد و شهرک‌های صهیونیستی در کرانه باختری نیز به رسمیت شناخته شدند، عربستان سعودی برخلاف بسیاری از کشورها، هرگز به‌صراحت با این طرح مخالفت نکرد و حتی عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان نیز از طرح معامله قرن تمجید کرد (Middleeastmonitor, 2020). افزون بر این، محمد بن سلمان در نشستی با رهبران یهودی در نیویورک در سال ۲۰۱۸ از رهبران فلسطین به‌دلیل رد فرصت‌های صلح با اسرائیل برای دهه‌ها انتقاد کرد و گفت آن‌ها باید یا طرح‌های صلح را بپذیرند یا خفه شوند (Timesofisrael, 2018). همچنین بن سلطان که به ۲۳ سال سفیر عربستان سعودی در آمریکا بود، در مصاحبه‌ای با العربیه گفت: «در شرایطی هستیم که به‌جای اینکه نگران چگونگی رویارویی با چالش‌های اسرائیل برای خدمت به آرمان فلسطین باشیم، باید به امنیت و منافع

ملی خود توجه کنیم» (Friedman, 2021: 11).

ب) فراگیر شدن دومینوی عادی سازی روابط با اسرائیل و تضعیف آرمان فلسطین

اسرائیل بارها ابراز امیدواری کرده است که «همکاری با کشورهای عربی میانه‌رو مانند عربستان سعودی را تقویت کند» (Lis, 2017). در سوی دیگر، عربستان سعودی نیز اشتیاق خود برای برقراری روابط با اسرائیل را مخفی نکرده است. در سال ۲۰۱۸، یک هواپیمای مسافربری هند از حریم هوایی عربستان سعودی به سمت تل‌آویو پرواز کرد که این اولین بار در طول هفتادسال گذشته بود که یک پرواز غیرنظامی به‌طور مستقیم با اجازه عربستان سعودی و با عبور از حریم هوایی آن، به اسرائیل سفر می‌کرد (Ben Zion, 2018). به‌طوری‌که لاپید، نخست‌وزیر اسرائیل آن را «نخستین گام عادی‌سازی روابط با ریاض» دانست (Timesofisrael, 2022). همچنین در ژانویه ۲۰۲۰ اسرائیل برای اولین بار آشکارا به شهروندان خود اجازه داد تا در شرایط خاصی به عربستان سعودی سفر کنند (Reuters, 2020). چنین پیوندهایی نشان داده است که اتحاد رهبران اورشلیم و ریاض به‌طور فزاینده‌ای شکل گرفته است و رهبران جوان عربستان دل‌مشغولی کمتری به روایت‌های تاریخی دارند (Krasna, 2021: 5). با بهبود روابط کشورهای عربی با اسرائیل و به‌ویژه پس از توافق ابراهیم، مسئله فلسطین اهمیت محوری خود را ازدست داده است. همان‌گونه که شلومو بن آمی،^{۲۶} وزیر اسرائیل گفته است: «فلسطین که زمانی کانون نگرانی‌های منطقه بود، تبدیل به یک عامل یک‌بارمصرف شده است» (Ben-Ami, 2020). در همین خصوص موشه یعلون^{۲۷} نیز می‌گوید: «کشورهای عربی زمانی از مسئله فلسطین به‌عنوان یک سلاح سیاسی علیه اسرائیل استفاده می‌کردند، اما اکنون که آن‌ها با اسرائیل در یک قایق هستند، دیگر نیازی به این سلاح ندارند. در اصل، آن‌ها الان به خود اسرائیل نیاز دارند» (Jones & Guzansky, 2019: 196).

در این میان با توجه به جایگاهی که عربستان در جهان اسلام دارد، شدت تضعیف آرمان فلسطین و همچنین احتمال آغاز دومینوی عادی‌سازی روابط با اسرائیل از سوی دولت‌های مسلمان (نه کشورهای مسلمان) بیشتر خواهد شد. عبدالله السنای، اندیشمند مصری، توافق‌های عادی‌سازی را شکست راهبردی کشورهای عربی توصیف کرده است که به اسرائیل فرصت داد تا آنچه را تا به حال در تمام جنگ‌هایش به‌دست نیاورده بود

26. Shlomo Ben-Ami

27. Moshe Ya'alon

بدون واگذاری یک قطعه زمین، به دست آورد. مصطفی کامل، استاد دانشگاه مصر نیز گفت: «بدون هیچ شکی بزرگ‌ترین بازنده، فلسطینی‌ها و عرب‌هایی هستند که با آن‌ها هم‌دردی می‌کنند [...]» (Barak, 2021: 22). همان‌گونه که ایمن عوده،^{۲۸} رئیس فهرست مشترک عربی در پارلمان اسرائیل، یک روز پس از امضای توافق‌نامه‌های عادی‌سازی ابراهیم گفت: «روزی که صلح را جشن می‌گیریم، فرا خواهد رسید، اما این امر هنوز محقق نشده است. فردا اشغال ادامه خواهد داشت، فلسطینی‌ها تحت حکومت نظامی به زندگی خود ادامه خواهند داد، شهرک‌نشینان به تصرف سرزمین‌های آنان ادامه خواهند داد و سربازان نیز همچنان به ایستادن کنار حصارها و وارد شدن به خانه‌های آنان ادامه خواهند داد. مراسم مجلل در واشینگتن یک معاهده صلح تاریخی نیست، بلکه یک معامله تاریخی تسلیحاتی است» (Rudnitzky, 2021: 31).

با وجود این بنابر نظرسنجی «المركز العربی للابحاث و دراسه السياسات»، به‌طور میانگین، ۸۸ درصد مردم کشورهای عربی منطقه مخالف برقراری روابط با اسرائیل هستند که این موضوع می‌تواند موجب بحران‌های داخلی جدید در منطقه باشد (Arab Center For Research & Policy Studies, 2020: 55). با وجود اینکه دوسوم جمعیت عربستان سعودی زیر ۳۵ سال و ۳۰ درصد زیر ۱۵ سال سن دارند و برخلاف نسل‌های پیشین، هیچ‌خاطره ملموسی از تحولات مهم مناقشه اسرائیل و فلسطین ندارند (Friedman, 2021: 13)، بنابر آخرین نظرسنجی مؤسسه واشینگتن در امور نزدیک، فقط ۱۹ درصد مردم عربستان از توافق‌های ابراهیم حمایت می‌کنند (Kassin & Pollock, 2022). خلاف نظر مردم حرکت کردن، می‌تواند پیامدهای بسیاری برای این پادشاهی داشته باشد و هر مقدار که کشورهای عربی و اسرائیل در مسیر برقراری روابط و همکاری مشترک گام بردارند، چند برابر آن، جنبش‌های مقاومت فلسطینی به تقویت رابطه و همکاری با ایران متمایل و ترغیب می‌شوند.

پ) تغییر در ژئوپلیتیک انتقال انرژی و راه‌گذرهای اقتصادی منطقه

پیش از تأسیس اسرائیل، طرح‌هایی برای انتقال نفت کشورهای خلیج فارس از راه فلسطین به اروپا وجود داشت که با سربرآوردن این رژیم، چنین طرح‌هایی متوقف شد. میرالران،^{۲۹} پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، حمل و نقل را از مسائلی می‌داند که

28. Ayman Odeh

29. Meir Elran

می‌تواند ژئوپلیتیک منطقه و نقشه غرب آسیا را به‌طور اساسی به‌نفع اسرائیل تغییر دهد (Blinova, 2020). با به‌توجه رسیدن عادی‌سازی روابط پادشاهی‌های خلیج فارس، به‌ویژه امارات و عربستان، چشم‌اندازی برای مسیرهای زمینی وجود خواهد داشت که اقیانوس هند و خلیج فارس را به مدیترانه شرقی و سپس به اروپا، از راه امارات متحده عربی، عربستان و اردن و سپس اسرائیل متصل می‌کند (Blinova, 2020). افزون بر این، همگرایی بیش‌ازپیش پادشاهی‌های خلیج فارس با اسرائیل و برقراری روابط رسمی بین آن‌ها و اسرائیل، امکان موفقیت راه‌گذر عرب و مدیترانه را افزایش داده است. این راه‌گذر، یکی از طرح‌های مهم در میان راه‌گذرهای منطقه است که از بندر بمبئی هند (متحد راهبردی آمریکا در آسیا) آغاز می‌شود و با گذر از مسیر دریای عمان و کشورهای شبه جزیره عربستان، به بندر حیفای اسرائیل می‌رسد و از آنجا با گذر از دریا به اروپا می‌رسد. این طرح به‌نوبه خود می‌تواند پیامدهایی برای منطقه به‌وجود آورد: نخست اینکه اهمیت دیگر راه‌گذرهای منطقه، به‌ویژه راه‌گذر شمال جنوب را کاهش دهد که هند را از راه ایران به روسیه می‌رساند؛ دوم اینکه برقراری چنین راه‌گذری، منجر به افزایش اهمیت ژئوپلیتیکی شبه جزیره عربستان، هم در سطح منطقه و هم در سطح بین‌الملل خواهد شد و روابط پادشاهی‌های خلیج فارس و اسرائیل را با هند و اتحادیه اروپا تحکیم می‌بخشد؛ سوم اینکه چنین راه‌گذری به‌سبب ایجاد وابستگی متقابل، منجر به تقویت روابط پادشاهی‌های خلیج فارس و اسرائیل و همچنین شکل‌گیری «هلال عبری-عربی» می‌شود (Lotfi & Safavi, 2022: 65). در همین حال، سال‌ها کشورهای اروپایی مجبور بودند صادرات زمینی خود را از طریق ترکیه، لبنان یا کانال سوئز به خلیج فارس بفرستند، اما در صورت رسیدن پیمان ابراهیم به ایستگاه ریاض، راه برای یک مسیر تجارت زمینی کارآمد و ارزان‌تر، از اسرائیل تا خلیج فارس باز می‌شود که چنین امری نه‌تنها منافع اقتصادی برای کشورهای منطقه و برای کشورهای اروپایی به‌همراه خواهد داشت، بلکه متحدان آمریکا را از اروپا تا هند به یکدیگر متصل می‌کند (Ben-Shabbat & Aaronson, 2022) که چنین موضوعی در نظام حاصل از موازنه از راه دور واشینگتن و همچنین مقابله با چین بسیار اهمیت دارد.

۷. نتیجه

در این مقاله با استفاده از آموزه‌های نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک و نظریه موازنه دور در سیاست خارجی آمریکا نشان دادیم در شرایطی که بسیاری از کشورهای عرب منطقه از جمله عربستان،

امنیت خود را به ایالات متحده گره زده‌اند و رهبران اسرائیل بیش از هر زمان دیگر از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه احساس ترس و انزوا می‌کنند؛ محتمل‌ترین گزینه، بازسازی رهنامه دوستونی نیکسون کسینجر این بار با مشارکت اسرائیل و عربستان خواهد بود. به بیانی از یک‌سو، تمایل عربستان به پیشبرد روابط خود با اسرائیل، ریشه در پیش‌بینی خروج آمریکا از منطقه و اثرات بالقوه آن بر امنیت عربستان دارد و از سوی دیگر، اسرائیل نیز چنین ادراکی از افول قدرت آمریکا و کاهش حضور این کشور در منطقه غرب آسیا دارد. در این مقاله با روندپژوهی روابط عربستان سعودی با اسرائیل، در پی فهم تغییر و تحول در روابط عربستان سعودی و اسرائیل بودیم تا پیامدهای این تحول را بر منطقه غرب آسیا ارزیابی کنیم. یافته‌های مقاله نشان داد عربستان و اسرائیل روابط پرفرازونشیبی داشته‌اند که به نظر می‌رسد این روابط در حال حاضر به سمت عادی‌سازی و برقراری روابط کامل حرکت کرده است. در این میان، مشکلات سیاسی و امنیتی مشترک، اندیشیدن به خاورمیانه پس‌آمریکا، استفاده از مزیت‌های ژئوپلیتیکی و فناوریانه و همچنین بهره‌برداری از لابی صهیونیست‌ها در واشینگتن از سوی عربستان و بهره‌برداری از نفوذ عربستان در جهان اسلام اسرائیل، از عوامل بسیار مهم در حرکت ریاض و تل‌آویو به نزدیکی روابط بوده است.

چنین تغییر و تحولی، پیامدهایی امنیتی بر غرب آسیا خواهد گذاشت؛ مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیامد آن تضعیف آرمان فلسطین خواهد بود. عربستان به‌عنوان کشوری که داعیه رهبری جهان اسلام را دارد، در صورت عادی‌سازی روابط با اسرائیل، زمینه را برای افزایش روابط کشورهای عربی با اسرائیل و امکان آغاز دومینوی عادی‌سازی با این رژیم را فراهم می‌آورد. درعین حال ایالات متحده را توانا می‌کند تا روند صلح فلسطین و اسرائیل را به نفع ثبات هژمونیک خود مصادره کند. همچنین عربستان سعودی حلقه اساسی در تکمیل راه‌گذر عرب‌مدیترانه به حساب می‌آید که در صورت برقراری عادی‌سازی روابط عربستان با اسرائیل، چنین راه‌گذری امکان تحقق می‌یابد و به‌نوبه خود منجر به تغییر ژئوپلیتیک انتقال انرژی می‌شود و ژئوپلیتیک منطقه را با تحولاتی احتمالی روبه‌رو می‌سازد که این مهم نیز همچنان در راستای منافع کلان ایالات متحده برای کنترل منابع انرژی جهان خواهد بود. با این حال باید به این مسئله نیز اشاره کرد که مسئله فلسطین و اهمیت آن در افکار عمومی داخل عربستان و مردم منطقه، مانعی در نهایی‌شدن روابط ریاض با تل‌آویو است و متغیر اساسی در آینده روابط این دو خواهد ماند.

References

- Adami, Ali; Nazifi, Nazanin; Bijan, Aref. (2019). Israel And Saudi Arabia: A New Era Of Bilateral Cooperation. Political Straregic Studies. Volume 7, Issue 27 - Serial Number 57. 199-227. **[In Persian]**
- AlMaashi, Haifa. (2021). The Economic Implications of the Israel-UAE Normalization Agreement in the Red Sea and the Gulf of Aden and the Potential Impacts on the GCC, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 15:4, 554-570, DOI: 10.1080/25765949.2021.2021696
- Alvand, M. S., & Hosaini, M. S. (2021). Analysis of Saudi aggressive / active foreign policy on neoclassical realism perspective 2010-2020. The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 2(6), 1-24. **[In Persian]**
- Arab Center for Research & Policy Studies (2020) The 2019-20 Arab Opinion Index: Main Results In Brief.
- Azriel, Guy. (2022). Exclusive: Saudis say normalization with Israel 'matter of time'. Retrieved From: <https://www.i24news.tv/en/news/israel/diplomacy/1670323077-exclusive-to-i24news-saudis-say-normalization-with-israel-matter-of-time>
- Barak, Michael. (2021). Between Rejection and Acceptance: The Normalization Agreements with Israel in the Egyptian Public Discourse. In The New Normal? Arab States and Normalization with Israel. collection of essays published by Konrad Adenauer Stiftung in collaboration with the Moshe Dayan Center
- Ben Zion, Ilan. (2018). First commercial flight crosses Saudi airspace to land in Israel. Retrieved From: <https://www.ft.com/content/453cc808-2df5-11e8-a34a-7e7563b0b0f4>
- Ben-Ami, Shlomo. (2020). The Consequences of the Israel-Uae Peace Deal. Retrieved From: <https://www.Aspistrategist.Org.Au/The-Consequences-Of-The-Israel-Uae-Peace-Deal/>
- Ben-Shabbat, Meir & Aaronson, David. (2022). The Abraham Accords, Two Years On: Impressive Progress, Multiple Challenges, and Promising Potential. Retrieved From: <https://www.inss.org.il/publication/abraham-accords-two-years/>

- Black, Ian. (2019). Why Israel is quietly cosyng up to Gulf monarchies. Retrieved From: <https://www.theguardian.com/news/2019/mar/19/why-israel-quietly-cosying-up-to-gulf-monarchies-saudi-arabia-uae>
- Blinova, Ekaterina. (2020). How Abraham Accords May Redraw Mideast Map, Deprive Iran Of Its Leverage In Hormuz. Retrieved From <https://sputniknews.com/20201017/how-abraham-accords-may-redraw-mideast-map-deprive-iran-of-its-leverage-in-hormuz-1080794523.html>
- Cafiero, Giorgio. (2022). Is Saudi Arabia heading for normalisation with Israel? Retrieved From: <https://english.alaraby.co.uk/analysis/saudi-arabia-heading-normalisation-israel>
- Chernoff, Fred. (2014). Theory and Metatheory in International Relations. Translate by alirreza tayeb, Tehran. Nashre ney
- Fandy, Mamoun. (2014). No Longer an Arab-Israeli conflict. Retrieved From: <https://eng-archive.aawsat.com/mamoun-fandy-ph-d/opinion/opinion-nolonger-an-arab-israeli-conflict>
- Farouk, Yasmine. (2020). What Would Happen If Israel and Saudi Arabia Established Official Relations? Retrieved From: <https://carnegieendowment.org/2020/10/15/what-would-happen-if-israel-and-saudi-arabia-established-official-relations-pub-82964>
- Findley, Paul. (2010). Deliberate Deceptions: Facing the Facts About the U.S.-Israeli Relationship. Translate by Mohammad Hossein Ahoyi. Tehran, Bureau of Political and International Studies.
- Friedman, Brandon. (2021). Saudi Arabia and Israel: Preparing for the American Downsizing in the Middle East - Brandon Friedman. In The New Normal? Arab States and Normalization with Israel. collection of essays published by Konrad Adenauer Stiftung in collaboration with the Moshe Dayan Center
- Friedman, Thomas. (2021). "The Abraham Accords One Year Later: Can They Change the Middle East?" Decision Points (podcast), Retrieved From: <https://open.spotify.com/episode/7mmvOEKMFiOmk9wfPPjrPw>
- Hubbard, B. (2018). Saudi Prince Says Israelis Have Right to Their Own Land.

- Retrieved From: www.nytimes.com/2018/04/03/world/middleeast/saudi-arabia-mohammed-binsalman-israel.html
- Jinsa. (2022). A Stronger and Wider Peace: A U.S. Strategy for Advancing the Abraham Accords. Retrieved From: https://jinsa.org/wp-content/uploads/2022/01/JINSA_Report_AbrahamAccords_v3-web.pdf
- Jones, Clive & Guzansky, Yoel. (2019). Fraternal Enemies: Israel and the Gulf Monarchies. Oxford University Press
- Kassin, Dylan & Pollock, David. (2022). Arab Public Opinion on Arab-Israeli Normalization and Abraham Accords. Retrieved From: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/arab-public-opinion-arab-israeli-normalization-and-abraham-accords>
- Katz, Y. (2018). Technology and Innovation in Israel: Advancing Competitive Position in a Global Environment. *Journal of Political Science*, 8, 536-546. <https://doi.org/10.4236/ojps.2018.84033>
- Koplow, Michael; Efron, Shira & Gottesman, Evan. (2021). The New Normal: Arab-Israeli Normalization and the Israeli-Palestinian Conflict. Israel policy from
- Krasna, Joshua. (2021). Introduction: The New Normal. In *The New Normal? Arab States and Normalization with Israel*. collection of essays published by Konrad Adenauer Stiftung in collaboration with the Moshe Dayan Center
- Lis, Jonathan. (2017). Netanyahu: Israel Working to Reach Peace with Arab Nations That Stand Against Radical Islam. Retrieved From: <https://www.haaretz.com/israel-news/2017-11-07/ty-article/netanyahu-israel-working-to-reach-peace-with-moderate-arab-nations/0000017f-e6ac-da9b-a1ff-eeef6fa00000>
- Lobell, Steven E , Norrin M. Ripsman & Jeffrey W. Taliaferro (2009), *Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy*, Cambridge University Press.
- Lotfi, Milad & Safavi, Seyed Hamze. (2022). Consequences of completing the Arab Mediterranean corridor and the challenges facing the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World* .Volume 4, Issue 1 - Serial Number 11. P 64-92. **[In Persian]**

- Lujan, Fernando (2013), Light footprints: The future of American military intervention, Center for a New American Security.
- M. Pollack, Kenneth. (2022). The Middle East Abhors a Vacuum. Retrieved From: https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2022-04-19/middle-east-abhors-vacuum?utm_medium=social&utm_campaign=tw_daily_soc&utm_source=twitter_posts
- McKernan, Bethan. (2022). Israel and Saudi Arabia 'in talks over joint defence against Iran'. Retrieved From: <https://www.theguardian.com/world/2022/jun/27/israel-and-saudi-arabia-in-talks-over-joint-defence-against-iran>
- Mearsheimer, John and Stephen M. Walt (2016), "The Case for Offshore Balancing", foreign affairs, Available Online at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2016-06-13/case-offshore-balancing>
- Mershimer, John (2001), The Tragedy of Great Power Politics, Chicago: University of Chicago
- Michael Kahanov, Saudi Arabia and the Conflict in Palestine, Jerusalem: Carmel, 2012, pp. 201-11
- Middleeastmonitor. (2020). Saudi foreign minister praises 'deal of the century'. Retrieved From: <https://www.middleeastmonitor.com/20200214-saudi-foreign-minister-praises-deal-of-the-century/>
- Miller, Aaron David. (2020). Opinion: In Trumpian Times, Israel and a Gulf State Find Common Ground. Retrieved From: <https://edition.cnn.com/2020/08/13/opinions/uae-israel-opinion-miller/index.html>
- Moshirzadeh, Homeira. (2014). Development in International Relations Theories. Tehran, samt publisher. **[In Persian]**
- Navidinia, farzad & moradi kellardeh, sajad. (2021). Explanation of Saudi-Israeli relations against Iran : 2011-2020. Political and International Research Quarterly. 13(48), 92-109. doi: 10.30495/pir.2021.686822 . **[In Persian]**
- Noack, Rick. (2017). U.S. allies reject Trump's Jerusalem pronouncement as 'very dangerous' and 'catastrophic'. Retrieved From: <https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2017/12/06/its-catastrophic-u-s-al->

- lies-reject-trumps-expected-jerusalem-pronouncement/
- Pfeffer, Anshel. (2010). Mossad chief reportedly visited Saudi Arabia for talks on Iran. Retrieved From: <https://www.haaretz.com/1.5152341>
- Podeh, Elie. (2018). Saudi Arabia and Israel: From Secret to Public Engagement, 1948–2018. *Middle East Journal*, vol. 72 no. 4
- Reuters. (2020). Israel approves travel to Saudi under limited circumstances. Retrieved From: <https://www.reuters.com/article/us-israel-saudi-travel-idUSKBN1ZP0F3>
- Rivlin, Paul. (2021). The UAE and Israel: Developing Relations and the Challenge Ahead. *Middle East economy*. Vol. 11, No. 3
- Rose, Gideon (1998), "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy," *World Politics* 51, no. 1.
- Rostami, Farzad & Tara, Alireza. (2018). Iran-West Nuclear Deal and analysis of relations between Saudi Arabia and Israel. *World politics*. Volume 7, Issue 2. 115-142
- Rudnitzky, Arik. (2021). The Arab Minority in Israel and the Normalization Agreements with Arab Countries. In *The New Normal? Arab States and Normalization with Israel*. collection of essays published by Konrad Adenauer Stiftung in collaboration with the Moshe Dayan Center
- Rynhold, Jonathan & Yaari, Michal. (2020): The transformation of Saudi-Israeli relations, *Israel Affairs*, Jonathan Rynhold & Michal Yaari (2020): The transformation of Saudi-Israeli relations, *Israel Affairs*, DOI: 10.1080/13537121.2020.1832320
- The International Institute for Strategic Studies (IISS). (2020). *Iran's Networks of Influence in the Middle East*. Published By Taylor & Francis
- Tibon, Amir. (2018). Saudi King Tells U.S. That Peace Plan Must Include East Jerusalem as Palestinian Capital. Retrieved From: <https://www.haaretz.com/israel-news/2018-07-29/ty-article/saudis-say-u-s-peace-plan-must-include-e-jl-as-palestinian-capital/0000017f-e1d7-d568-ad7f-f3fff1450000>
- Timesofisrael. (2017). Katz calls for full Saudi ties, says Netanyahu should visit

Riyadh. Retrieved From: https://www.timesofisrael.com/liveblog_entry/katz-calls-for-full-saudi-ties-says-netanyahu-should-visit-riyadh/

Timesofisrael. (2018). Palestinians must make peace or shut up, Saudi crown prince said to tell US Jews. Retrieved From: <https://www.timesofisrael.com/palestinians-must-make-peace-or-shut-up-saudi-crown-prince-said-to-tell-us-jews/>

Timesofisrael. (2022). Israel lauds decision to open skies as first step toward normalization. Retrieved From: <https://www.timesofisrael.com/israel-lauds-saudi-decision-to-open-skies-as-first-step-toward-normalization/amp/>

Timesofisrael. (2022). Israeli journalist visits Saudi Arabia amid speculation on breakthrough in ties. Retrieved From: <https://www.timesofisrael.com/israeli-journalist-visits-saudi-arabia-amid-speculation-on-breakthrough-in-ties/>